

حرف درشت

پیاده‌های جهان املت شوید

● **یوریا عالمی:** شما باید عابر پیاده باشی که بفهمی اصولا اینجا پیاده‌ای.

عابر پیاده در ایران امکاناتی دارد که هیچ جای جهان نیست؛ مثلا اینجا پیاده‌رو وجود ندارد، چون اساسا پیاده آدم نیست و پرنده است! جدی عرض می‌کنم. تا الان طبق نظریه داروین، ۶۰ درصد پیاده‌های ایران چون مجبورند از موانع، چاله‌ها، کیوسک‌ها، ناله‌های ساختمانی و ... بپرند، دیگر دچار دگردیسی شده‌اند و بال درآورده‌اند، حتی یکی از دانشمندان معتقد است کانگوروها ایرانی‌های پیاده‌ای بودند که از بس از موانع جهیدند، جهنده شدند و سال‌ها پیش به استرالیا مهاجرت کردند.

توی همین نیم‌تر پیاده‌رو زرتی هم شما می‌بینید ماشینن پارک کرده. وقتی اعتراض می‌کنی، طرف پنچرت می‌کند و می‌گوید: چیه؟ از کی تا حالا آدم هم ماشین شده که حق و حقوقی داشته باشه؟

بعد شما سوار اتوبوس می‌شوی، از بیرون چهار جوان ژیکول عکسشان روی اتوبوس است و تبلیغ بستنی و مبل می‌کنند. از توی اتوبوس، صدا آدم به هم پیچیده، کله‌ها زیر بغل آن یکی، تنگ و ترش و ناراحت و اخمو، می‌خواهند از پنجره بیرون را نگاه کنند که خب پنجره‌ها کور تبلیغات است. حالا من پیاده وقتی از اتوبوس پیاده شوم شما فکر می‌کنی آن بستنی خوش‌رنگ را جذب شدم بخرم؟ یا وقتی مثل املت از لای ملت پیاده شدم، اگر آن تبلیغات تخم‌شربتی را ببینم می‌کنمش تو هر چی نه بهتر صندوق پست، تا برسد به دست صاحبش؟ (لفظا جمله را دوباره بخوانید، خیلی عمیق بود). خلاصه عابر پیاده شوخی متحرکی است در تهران و شهرهای دیگر و اگر عابر معلولیت داشته باشد که شوخی گریه‌داری است، خود ما چند ماه پیش معلولیت داشتیم و پایمان شکست. به جان عالمی، چهاربار با عصا آمدمیم بیرون، این‌قدر توی جوی افتادیم و لای ماشین گیر کردیم و از پل‌های نداشته پریدیم که پاشکستگی ما تبدیل شد به قطع نخاع و ضربه مغزی، الان هم از لحاظ مغزی قاطی هستیم و از دست مسئولان و به‌خصوص از دست شهروندان که مسئولیت را روی دوش دیگران می‌اندازند، زرتی داغ می‌کنیم و اعضامان می‌ریزد و قفل فرمان را برمی‌داریم و دادوبیداد راه می‌اندازیم و ستون روزنامه می‌نویسیم، فقطو فقط تقصیر مردم دلبز و مسئولان دلار است وگرنه ما یک پیاده بیشتر نیستیم و مغزمان از اول تاب نداشت.

پیشخوان

کتاب جدید

استاد مطهری منتشر شد

● «جامعه و تاریخ در قرآن» که تنظیم‌شده درس‌های استاد مطهری در حوزه علمیه قم در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ است، از سوی انتشارات صدرا در ۲۸۰ صفحه و در قطع رقعی با بهای ۱۴ هزار تومان منتشر شد. در این کتاب بحث‌های دلکش و نکات و دقایق بدیع فراوانی در موضوعاتی مانند اجتماعی‌بودن انسان، نوع ترکیب جامعه، آزادی فرد در جامعه، جامعه و فطرت، و بحث‌های فلسفه تاریخ، از جمله نظریه ماتریالیسم تاریخی و موضوع سرنوشت تاریخ با نگاهی به قرآن کریم مطرح شده است که برای عارف و عامی سودمند و فرحزاست. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت این کتاب در سراسر ایران (بدون پرداخت هزینه ارسال) عدد ۱ را به سامانه پیامکی ۵۴۱۱۱۵۰۰ ارسال کنند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۶ دی ۱۳۹۶ • ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۲۷ دسامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۴۵ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

مهدی عزیزی



پیشنهاد

شماره ۱۱۵ فصلنامه «نگاه نو» نگاه ویژه‌ای دارد به صدمین سالگرد انقلاب اکبر ۱۹۱۷ در روسیه. انقلاب اکبر و پیامدهایش البته تنها موضوع این فصلنامه وزین نیست و «نگاه نو» دربردارنده آثاری از داریوش آشوری، توج تابکی، محمدعلی موحّد، مصطفی ملکیان، حسین کیانیان، پرویز دواویی و چندین چهره فرهنگی و ادبی دیگر است. متن سخنرانی روز شانزدهم آذر ۹۶ کارنو ایشی‌گورو به مناسبت دریافت جایزه نوبل ادبی ۲۰۱۷ با عنوان «شب قرن بیستم من و پیشرفت‌های جزئی دیگر» با ترجمه رضا رضایی، گزارشی از شعر و زندگی قیصر امین‌پور به قلم مهدی فیروزیان، «محاکمه حقیقت‌جویی، عقلانیت‌ورزی و معنویت‌گرایی»

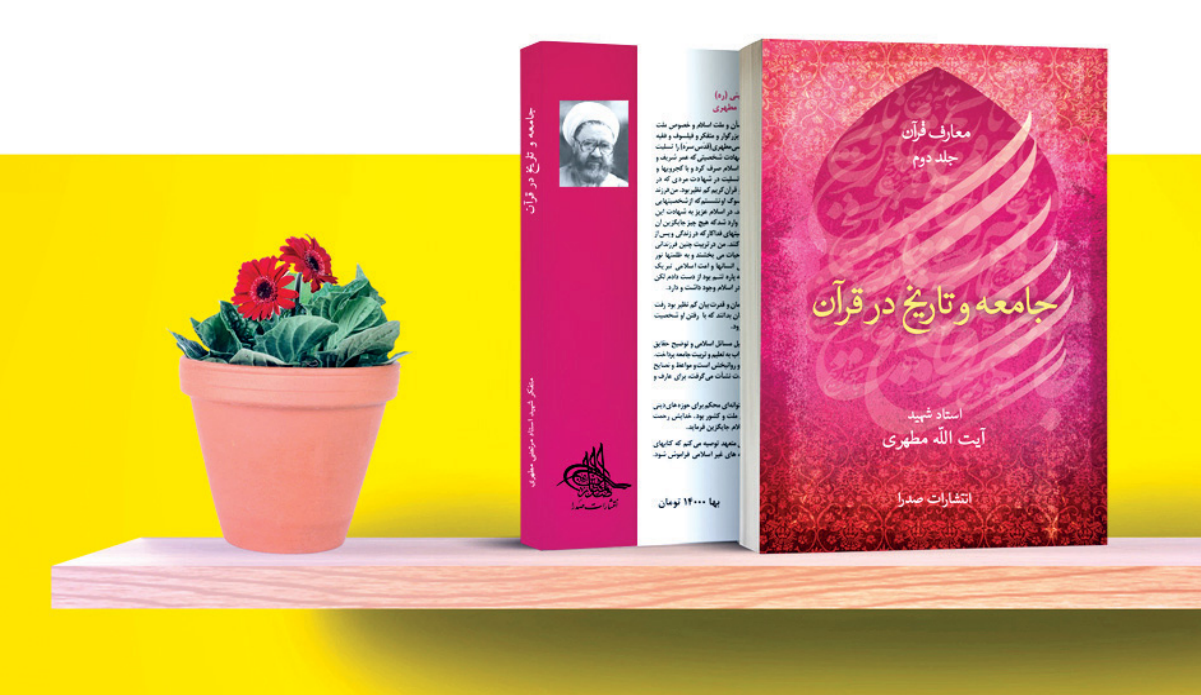
دربراره ترجمه نمایش‌نامه «محاکمه اسپینوزا» و مقالاتی در گرامی‌داشت حسین خانی-ناشر پیش‌کسوت و علی‌اشرف درویشیان، نویسنده فقید، از دیگر متن‌هایی است که در «نگاه نو» می‌توان سراغ گرفت. گفت‌وگویی با ای.اچ. کار، متفکر و مورخ انگلیسی، درباره جنبه‌های مثبت و منفی انقلاب اکبر و پیامدهای آن را می‌خوانیم و «تاملی بر انقلاب روسیه» مژآزادی اینتلیگنتسیا، «بنیادهای سینمای اتحاد شوروی» و «انقلاب اکبر و ایران» نیز از دیگر مقالاتی است که در این بخش می‌بینیم. شماره پاییز ۱۳۹۶ فصلنامه «نگاه نو» که به سال بیست‌وهفتم رسیده، در ۲۶۰ صفحه، ۱۷هزارو ۵۰۰ تومان قیمت خورده است.

کتاب جدید استاد مطهری منتشر شد

جامعه و تاریخ در قرآن

انتشارات صدرا

(مرکز نشر آثار استاد شهید مطهری)



شرق: انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با تعیین سمت اعضای هیئت‌مدیره و پس از صدور گواهی‌نامه ثبت انجمن صنفی، فعالیت اجرایی خود را آغاز کرد.

در نخستین جلسه هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران که با حضور تمام اعضای اصلی و علی‌الدل هیئت‌مدیره و بازرسان و همچنین هیئت مؤسس تشکیل شد، عباس عبدی به‌عنوان رئیس، کامبیز نوروزی به‌عنوان نایب‌رئیس و شهریار شمس‌سوقی به‌عنوان دبیر و سخنگو و شبنم رحمتی به‌عنوان خزانه‌دار انتخاب شدند. پس از تعیین سمت، صورت‌جلسه مربوطه در زمان قانونی به اداره کار استان تهران ارسال شد و این اداره کل، اقدام به صدور گواهی‌نامه ثبت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران کرد. اینک انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران ثبت شده است و با شروع فعالیت اجرایی انجمن به‌زودی کمیته‌های انجمن تشکیل و روند عضوگیری شروع خواهد شد. برای شروع عضوگیری ابتدا باید کمیته عضوگیری تشکیل و آیین‌نامه مربوطه بر اساس اساسنامه تدوین شود، ازهمین‌رو هیئت‌مدیره

زنانی که من دیده‌ام

خانواده‌ای از همه ملیت‌ها

زهرا عمرانی

● اولین‌بار از نزدیک درخت کریسمس را در خانه جیل دیدم. کمتر از چهار ماه بود که از ایران رفته بودم. با هزار ترس و نگرانی برای رویارویی با دنیایی ناشناخته و دور. جیل نزدیک به ۶۰ سال داشت و مهندس نرم‌افزار در یکی از شرکت‌های شناخته‌شده بود، با همسرش زندگی می‌کرد. همسرش مدتی آشپز بود اما اخیرا کارش را از دست داده بود، به‌هرحال بازار نیروهای جوان و مهاجران جویای کار داغ بود و حفظ شغل آشپزی کار چندان ساده‌ای نبود.

زندگی‌شان در سطح متوسط بود. آنها فرزندی نداشتند و تصمیم گرفته بودند انرژی و محبتی را که می‌توانستند صرف فرزندانشان کنند نثار فرزندانیشان کنند که از خانواده خود دور افتاده بودند و من هم این‌گونه با آنها آشنا شدم. عضو گروه داوطلبان دانشگاه بودند. دانشگاه برای دانشجویانی که از کشورهای دیگر می‌آیند امکانی داشت که برای مدتی کوتاه در منزل یکی از شهروندان اقامت کنند تا کم‌کم در شهر جا بیفتند و جایی در شهر پیدا کنند. آنها هم هر سال در ابتدای ترم خانه خود را در اختیار دانشجویان تازه‌وارد و ناآشنا به شهر می‌گذاشتند. نه‌تنها اقامت و پذیرایی رایگان، بلکه کمک می‌کردند تا دانشجوی جایی برای اقامت پیدا کند. با ماشین خود از این سر شهر به آن سر شهر دانشجویان را همراهی می‌کردند تا وسایل ارزان و مناسب برای تجهیز مکانشان پیدا کنند.

در اسباب‌کشی با وجود اینکه سن‌وسالی از آنها گذشته بود کمک می‌کردند و راه را نشان می‌دادند که شهر را بشناسی و با قواعد و قوانین نانوشته و نوشته آشنا شوی. این محبت و مهر را بی‌دریغ و بی‌چشمداشت نثار می‌کردند. به‌خنده ما گفتند ما بیش از ۴۰ بچه داریم اکثرا از آسیای دور و البته از برخی دیگر کشورها. می‌دیدم دنیایشان بزرگ‌تر از آن است که فکر کنند این بچه‌ها در فاصله‌ای نه‌چندان دور ممکن است به رقیب جدی در بازار کار تبدیل شوند و جیل هم هر لحظه ممکن است کارش را از دست بدهد. آن دو در طول سال چند برنامه مختلف هم برگزار می‌کردند، یکی از برنامه‌ها همین شب عید میلاد مسیح بود.

با اینکه هیچ یک مذهبی نبودند در شب عید شام مفصلی می‌پختند و همه را دعوت می‌کردند. انگار با خود عهد کرده بودند تا در سال چند وعده غذای گرم و خوشمزه برای بچه‌هایشان تدارک ببینند و بچه‌ها را دور هم جمع کنند تا احساس غربت نکنند. اما می‌دانستند شهر در این ایام خالی است و بسیاری از دانشجویان می‌روند تا عید را با خانواده‌هایشان بگذرانند و ممکن است فرزندان آنها تنها بمانند. قلب بزرگ جیل برایم بی‌مثال است، نگاهش به زندگی مصداق نیکی بی‌چشمداشت است. حالا دو، سه‌سالی است که بازنشسته شده و از آن شهر رفته، می‌دانم حتما در شهر جدید هم خانواده‌ای برای خود ساخته‌اند. اما بچه‌هایشان که حالا سال‌هاست فارغ‌التحصیل شده و حالا حتما برای خود کسی شده‌اند، به هر دین و مسلکی که باشند و هر کجای این کره خاکی زندگی کنند، حتما یادشان می‌آید که روزی در اوج غربت چه خانواده بزرگی از همه ملت‌ها داشته‌اند.

اتفاق

عباس عبدی رئیس شد و کامبیز نوروزی نایب‌رئیس

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران ثبت شد

به رای گذاشت و به تصویب حاضران رسید و پس از آن اساسنامه مجمع به تصویب رسید و انتخابات هیئت‌مدیره و بازرسان انجام شد.

یکی از مواردی که از سوی برخی با شبهه روبه‌رو شده بود، اضافه‌شدن تبصره‌ای درباره شرایط نامزدهای هیئت‌مدیره و بازرسان است که برخی شائبه‌ها و تفسیرهای غیرواقعی درباره آن مطرح شده بود. درحالی‌که تنها تفاوت این بند با اساسنامه مجمع اول این است که نامزدان عضویت در هیئت‌مدیره باید درخواست مکتوب خود را ۲۰ روز پیش از برگزاری مجمع عمومی ارائه دهند. در دومین مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران رای‌گیری برای انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان انجام شد.

کامبیز نوروزی با ۷۰ رای، عباس عبدی ۶۹ رای، آزاده محمدمجمع ۴۹ رای، مرگان جمشیدی ۴۳ رای، پژمان موسوی ۴۳ رای، شبنم رحمتی ۴۲ رای و امیرعباس نغعی ۴۰ رای به‌عنوان اعضای اصلی هیئت‌مدیره و کیسو فقهوری با ۶۰ رای و فرزاد شیرزادی با ۳۶ رای به‌عنوان بازرسان اصلی برگزیده شدند.

آکادمی

هفت درس «یلدا»

می‌کردی مراتب استاد – شاگردی گاهی در اکسیر مهربانی‌اش حل می‌شود و به‌هم می‌ریزد، او به ما یاد داد قضاوت‌هایمان را تعلیق کنیم. خوش نمی‌داشت کسی مدام به این و آن قضاوتی را ضمیمه کند. راز مهربانی‌اش همین بود. ۴- **اهل تظاهر نبود:** همان بود که می‌نمود. نجابت و اصالتی که به پزشکی ایران بخشید، اثر و ثمر همین بی‌ریایی و تظاهرگری‌اش بود. ۵- **ارزش ذاتی انسان:** او کرامت انسان را با وجود گستره گسترده مطالعات غیرپزشکی‌اش، از متون نظری نشناخته بود. انسان یلدا، از میان بیماران سربرآورده بود. هرچه بیمارتر و فقیرتر می‌دید، کرامت انسانی‌اش را جدی‌تر می‌گرفت. او بیماران را نه‌تنها با چشمانش که از فراز بام بیمارستان امام نظاره می‌کرد تا قضاوتش محدود نماند. همین بود که برای مهربانی‌هایش و برای ارزشمندی دیگران، دنبال دلیل نمی‌گشت.

۶- **معنویت و اخلاق:** اخلاق پزشکی در نظر دکتر «یلدا» پیچیده نبود. گاهی با نگاهی می‌توانست تمام اخلاق را ادا کند. سادگی در اخلاق، درس پیچیده‌ای بود که دکتر «یلدا» سال‌ها آن را تدریس کرد.

۷- **نکته‌بین بود:** انگار حواسش به همه‌چیز بود؛ به سلام‌هایی که می‌شد، به نگاهی که هنگام سخن گفتن تقسیم می‌کرد، به چشمان دانشجویی که احساس می‌کرد نفهمیده است و به هزار ملاحظه

استادانه و سختگیرانه دیگر. نظم عجیبی که در ذهن و زندگی علمی و عملی‌اش داشت، علت همین نکته‌بینی ژرف بود. کتاب نکته‌ها که به طبعش سپرد، نشانه‌ای بر همین نکته‌بینی بود.

«یلدا»، یکی از مؤثرترین نمادهای دانشگاه بود. در زمانه‌ای که به لسان فرنگی «زل‌مدل‌ها» چنگی به دل و جان دانشجویان نمی‌زد، او دل‌ها را روبوده بود. «یلدا» را یکشنبه از بیمارستان تنبیه نکردیم؛ او همچنان در شاگردانش جاری است؛ گویی استاد در نگاه‌های مهربان دانشجویانش نشسته است؛ همان‌ها که نزدیک‌ترین و اصیل‌ترین خاطره آنها مهربانی، سیما و سخن اوست.

«یلدا» در شب‌های طولانی کشیک، در راهروهای بیمارستان حاضر است تا به تعبیر خودش، بیمار را توپ فوتبال نکنیم. او مهربانی‌های قضا را به یادمان می‌آورد. «یلدا» وجدان مهربان دانشگاه باقی خواهد ماند. یاد استاد جاودان.

● **پژشک، پژوهشگر اخلاق و فلسفه**



دکتر حمیدرضا نمازی

دکتر «علیرضا یلدا» استاد ممتاز دانشکده پزشکی و نمود و نماد علم و اخلاق دانشگاه در شبی که نامش را به او داده بود، پرکشید. یلدا، سایه بلندی بر سر سلامت این دیار بود. او ۶۰ سال طبابت کرد و مهر و نشان‌ش را از آغاز بر ذهن و ضمیر همه همکاران، شاگردان و بیمارانش نشاند. استاد «یلدا» از آن گروه پزشکان بود که بیش از آنکه از طبابت وام بگیرد، به طب اعتبار و وام داد. او را بیش از هر چیز، به قامت معلم می‌شناسند. دکتر «یلدا» سال‌ها پیش‌تر از استادی دانشگاه، در البرز مجتهدی، همان دوران که دانش‌آموز بود، به هم‌کلاسی‌هایش، فیزیک و شیمی درس

داده بود. عشق به آموختن، شاخص‌ترین ویژگی او بود. هفت درس از آموزه‌هایش در پی می‌آید:

۱- **شوخ‌طبعی:** همه شاگردان و همکارانش از قدیم، طنز شیرین و شوخ‌طبعی او را به یاد دارند. در بحبوحه کار و درس و بحث، هرگز کنج عبوسی نمی‌گرفت و همیشه شاد بود و شادی می‌موخت. او به ما یاد داد شوخ‌طبعی، فانتزی طبابت نیست؛ بلکه راه غلبه بر عوارض سختی کار است.

هوشمندی استاد «یلدا» بود که مفهوم استادی را با نخوت و عصاقورت‌دادگی معنا نکرد و طبابت و مطایبه را به هم آمیخت.

۲- **احترام به تاریخ:** جلسه‌ای نبود که دکتر «یلدا» در آن سخن بگوید و نام‌وشانی از بزرگان و استادانش نیاورد. او در دهه هشتم زندگی، با یادکردن از اسلافش، انکار می‌خواست به ما شگرد شاگردی‌کردن یاد دهد. همان زمان که به خطا او را پدر عفونی ایران نامیدند، از استاد دکتر «بیش‌ور» نام آورد که استاد عفونی دانشکده بود و «یلدا» اصلا به خاطر سلوک و سیاق او عفونی را برگزیده بود. استاد «یلدا» به ما یاد داد که تاریخ ذخیره اخلاق است.

۳- **مهربانی:** او بر همه سخت می‌گرفت تا مهربان باشند. علت دعواهای معدودش، نامهربانی شاگردان با بیماران بود. «مفهوم خطای بیمار» در قاموس طبابتش جایی نداشت و از این رو به بیمار که می‌رسید، محض مهربانی و لطف بود. با دانشجویان نیز چنان بود که احساس

عکس‌های منتخب نخستین جشنواره ملی عکس‌مازندران تا ۱۴ دی در موزه‌گالری «دیدی» ایزدشهر به نمایش گذاشته می‌شود. ده‌هزار و ۴۴۶ اثر به این جشنواره ارسال شد که از این تعداد ۷۹ اثر با رای داروان به‌عنوان برگزیده به نمایشگاه و مسابقه راه پیدا کردند که در کتاب

جشنواره به چاپ می‌رسد. به‌گفته حسین بخشی، دبیر جشنواره، محورهای این جشنواره شامل «آداب‌ورسوم و آیین‌ها»، «چشم‌اندازهای شهری» (بازارهای سنتی، صنایع‌دستی و پیشه‌ها)، «محیط زیست»، عکس‌های منتخب اولین جشنواره ملی عکس‌مازندران، از هفتم تا ۱۴ دی هر روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۱ شب در کیلومتر ۹ جاده محمودآباد-نور، ایزدشهر دایر است. علاقه‌مندان می‌توانند با تلفن ۴۴۵۸۰۹۴۶ (۰۱۱) تماس بگیرند.